

بازرسی

سفر تخیلی به دنیای اسطوره‌ها

عماد رحمانی، کارگردان «افسانه سپهر» از اقبال جهانی نسبت به انیمیشن های ایرانی گفت

خط با خون تو آغاز می‌شود

به انگیزه سالروز ولادت حضرت امام حسین (ع)

سروده‌های شاعران درباره این امام بزرگوار را بررسی کرده‌ایم



ادای دین سینما به سردارِ هور

فیلم «اسفند» روایت تدبیر و درایت شهید علی هاشمی در عملیات خیبر است



خاطره‌سازهای انقلابی

تولیدات تلویزیونی در ایام پیروزی

انقلاب اسلامی ایران را بررسی کرده‌ایم



راهبرد تولید فیلم؛ غایبِ مهم!

رویکردهای کلی باید تولید و به مخاطبان ارائه شود. این استراتژی بسیار مهم و بنیادین است. همچنین باید در استراتژی تولیدات سینمایی به آرمان‌های بلند انقلاب، توجهی ویژه شود. بایستی به ترویج این آرمان‌ها در آثار هنری به‌ویژه سینمایی (بدون شعارزدگی و با وجه هنری) همت گماشته شود. مگر می‌شود به آرمان‌های یک کشور در تولیدات مخاطب‌گرای آنها هیچ توجهی نداشت. از رهگذر چنین تولیداتی باید آرمانگرایی و آرمان‌خواهی در نسل جوان ما بخصوص نهادینه شود.

آرمان ما مثلاً اگر آزادی فلسطین است باید اهمیت بسزای چنین آرمانی مشخص شود و در آثار به گونه‌ای بایسته منعکس شود. مساله دیگر همان دشمنان قسم‌خورده این انقلاب و نظام و مردم و کشورند. در این ۵ دهه دشمنان ما هرگز دمی از پا ننشستند و تا توانستند و می‌توانند برای ما مشکل‌آفرینی کردند و علی‌رغم برخی شعارهای ظاهری‌شان هرگز نخواستند مشکلاتی از مشکلات انقلاب و ایران‌ حل و فصل شود. تولیدات سینمایی باید با شیوه‌ای قانع‌کننده به مخاطبان و به‌ویژه جوانان نشان دهند که با سازشکاری یا گرایش به دشمنان‌مان به‌ویژه در قالب مذاکرات هرگز به جایی نخواهیم رسید. مگر می‌شود با شخص توسعه‌طلبی مثل ترامپ که کانادا را جزو خاک آمریکا می‌شمارد و از ضمیمه‌کردن گرینلند به خاک آمریکا سخن می‌راند؛ مذاکره و سازش [عزتمندانه]کرد! صحبت از مذاکره با چنین طرفه‌هایی و ادعای گذر از مشکلات با چنین مذاکراتی مانند آب در هاون کوبیدن است!

استراتژی امیدآفرینی جایگاه خاصی دارد و بفرمایش مقام معظم رهبری نباید به نام سینمای اجتماعی به سیاه‌نمایی و یاس آفرینی و نومیدی‌پرگانی پرداخت. همچنین آگاهی در این استراتژی باید نقشی بسزا داشته باشد. رده‌بندی سنی در جهان و آمریکا به روشنی رعایت می‌شود. باید به این مهم توجه کرد.

در تولیدات سینمایی جدید، آثاری هست که در قالب آنها به خودکشی پرداخته شده؛ پس نباید ارائه این آثار به گونه‌ای باشد که کودک و نوجوان ما با آن آثار مواجه شود و پخش آنها بدون رعایت رده‌بندی سنی نباید انجام شود زیرا چنین آثاری، امنیت روانی و ذهنی کودک و نوجوان را از بین می‌برد.

چهل و ششمین سالگشت پیروزی انقلاب است و انصافاً این انقلاب ما انفجار نور بود؛ زیرا پس از انقلاب، روند حوادث در جهان تغییر کرد و به گونه‌ای دیگر شد.

با انقلاب ایران، موشه دایان به مناخم بگین هشدار داد که زلزله‌ای در ایران رخ داده است که بزودی لرزه‌هایش اسرائیل و جهان را تکان خواهد داد.

یا برژنف در گزارشی به بیست و چهارمین کنگره حزب کمونیست آورده: تجدید حیات اسلام شاید مهم‌ترین واقعه سیاسی قرن بیستم باشد... و ممکن است شور و هیجان مذهبی انقلاب ایران از مرزها بگذرد.

اکنون می‌بینیم که لرزه‌های این انقلاب نه تنها اسرائیل را زیر سؤال برده بلکه لرزه‌هایش آمریکا و اروپای به‌ظاهر طرفدار حقوق بشر را در بر گرفته‌است.

از آنجاکه در دهه فجر، جشنواره‌های مختلفی برگزار می‌شود، در باب هنر هفتم؛ سینما اشاره‌هایی به کارهای صورت گرفته و برنامه‌هایی در این باره ضروری است. با توجه به این‌که از رهگذر هنر می‌توانیم هرچه رساتر و زیباتر به همه جهان، ندای مظلومیت و حقانیت کشورهای مسلمان را به جهانیان برسانیم.

هفته گذشته معاون محترم ریاست جمهوری آقای عارف، شورای عالی سینما را با افراد جدید تشکیل داد. در این خصوص ملاحظاتی به ذهن می‌رسد.

نخست؛ انواع فیلم‌های ساخته شده در این سال‌ها را که از نظر بگذرانیم و نیز اگر به فیلم‌های برگزیده جشنواره فیلم فجر امسال دقت‌کنیم که هیات انتخاب از میان حدود صدفیلم به گزینش آنها برای جشنواره دست زده، به این نتیجه می‌رسیم که ما یک استراتژی منسجم و راهبردی در تولیدات سینمایی نداریم.

شورای عالی سینما بایستی در نخستین گام به روشن‌کردن استراتژی بنیادین و راهبردی برای تولیدات سینمایی بپردازد. ما باید برپایه مخاطب‌سنجی و با آگاهی مشخص کنیم که اولویت تولید باید با چه ژانرهایی و با چه تعدادی باشد و این که مثلاً در دفاع‌مقدس یا ملودرام یا خانواده یا... چه تعداد آثار سینمایی با چه



علی‌رضا سرخیش نویسنده و پژوهشگر

غیرت‌سازی از رهگذر سینما و رسانه



دکتر عباس اسدی نویسنده و پژوهشگر

نمی‌شود، بلکه در سینما و به‌ویژه هالیوود حتی بیش از خبرگزاری‌ها به غیرت‌سازی پرداخته شده است. فیلم‌های شیخ (اثر جورج ملفورد)، بدون دخترم هرگز (برایان گیلبرت)، خانه‌ای از شن و مه (وادیم پرلمان کارگردان اوکراینی- آمریکایی)، ۳۰۰ (زاک اسنایدر)، اسکندر (الیور استون)، نیروی دلتا (مناهام گولان کارگردان یهودی)، محاصره (ادوارد زوئیک)، تصمیم عملی (استوارت برد)، بابل (الخاندرو گونزالس ایناریتو)، همچنین مُلک خداوند (ریدلی اسکات) نمونه‌هایی از آثار سینمایی است که نگاهی بسیار منفی نسبت به مسلمانان و رویکردی سلبی به جهان شرق داشته‌اند.

به دیگرعبارت، در همه رسانه‌ها این بازتاب‌ها و بازنمایی‌ها نسبت به شرق منفی بوده است. **✎ خاورمیانه ناشناخته**

بر اساس نظرسنجی سال ۱۹۶۷ از مردم اروپا و آمریکا در خصوص جنگ شش روزه؛ نبرد بین اسرائیل و اعراب به خاطر گرایش اعراب به کمونیسم دانسته شده و این امر، موبد آن است که مردم غرب کمترین شناخت دقیقی از خاورمیانه ندارند.

پس از جنگ جهانی دوم، بازنمایی قوم‌مدارانه و غیرت‌سازی اعراب و مسلمانان در هالیوود شروع شده بود، اما این جریان پس از جنگ یوم کپپور (Yom Kippur War) اعراب علیه‌اسرائیل در سال ۱۹۷۳ شدت یافت و از این تاریخ به بعد، همواره اعراب مسلمان در این آثار سینمایی به طرز منفور بازنمایی و نشان داده شدند. اعراب در این آثار همان بادیه‌نشین، بدون فرهنگ و تاریخ و بدوی هستند.

از رهگذر چنان تولیداتی، همواره القا می‌شود که این اعراب، موجب بسیاری از مشکلات غرب هستند و ارض موعود اسرائیل را غصب کرده‌اند. یکی از خاورشناسانی که آثار او الهام‌بخش رفتار قوم‌مدارانه بوده برنارد لوئیس است. لوئیس، نظریه‌پرداز خاورمیانه جدید همواره چراغ راهنمای مواجهه قوم‌مدارانه با اعراب و خاورمیانه است. آثار لوئیس که مبنای درک و مواجهه با مردم خاورمیانه می‌شود، نشان از آن دارد که مردم غرب، از آنچه در خاورمیانه می‌گذرد شناخت روشنی ندارند و همواره با عینک بدبینی به موضوع نگاه می‌کنند.

صیادی که صید نکرد

شیرازی فرمانده نیروی زمینی وقت ارتش همانند یک ناجی آمریکایی عمل کند که این حرکت از جذابیت فیلم کاسته است. طراحی لباس، صحنه و انتخاب مکان‌های فیلم‌برداری (لوکیشن) جالب، جذاب و بدیع بود ولی در صحنه‌های جنگ ضعف‌هایی دیده می‌شود مثلاً در صحنه‌ای دو تیر تفنگ به دیواری که صیاد شیرازی پشت آن سنگر گرفته و دارد اوضاع را رصد می‌نماید برخورد می‌کند و بعد از آن یک گلوله خمپاره نیز به همان آجر می‌خورد اما نه صیاد صید کومله می‌شود و نه آجر ویران می‌گردد بماند که نحوه برخورد و جای گلوله‌ها به وضوح کارثونی بود.

تصویربرداری فیلم به خوبی توانسته است فضای دوران دفاع‌مقدس را بازسازی کند. استفاده از نورپردازی طبیعی و رنگ‌های خاکی و تیره، حس واقع‌گرایانه‌ای به فیلم بخشیده است. البته قاب‌بندی نماها مخصوصاً نمای نزدیک به حدی بزرگ بود که معمولاً در فیلم‌های تلویزیونی استفاده می‌شود چرا که اندازه صفحه نمایش در منازل چندین برابر کوچکتر از سینما است، پس باید نمای نزدیک درشت‌تر باشد.

موسیقی متن فیلم تلاش می‌کند تا فضای حماسی و احساسی داستان را تقویت کند اما گاهی اوقات به دلیل استفاده بیش از حد از تم‌های تکراری، از تاثیرگذاری آن کاسته می‌شود. صداگذاری نیز به طور کلی از اواسط فیلم به بعد مناسب است اما در برخی صحنه‌ها دیالوگ‌ها به دلیل بلند صدای پس‌زمینه به وضوح شنیده نمی‌شوند.

گرمی‌های صورت گرفته در این فیلم بسیار اغراق‌آمیز و به دور از واقعیت بود و یا اگر بود ترجیح بر این است که این گرمی‌ها به حالاتی از چهره که شناخته‌شده‌تر است، بپردازد. با این حال، با توجه به کمبود آثار سینمایی درباره شخصیت‌های مهم و تاثیرگذار تاریخ معاصر ایران، وجود چنین فیلم‌هایی حتی با وجود ایرادات، غنیمت و مایه خوشحالی است.

مه‌دی صالحی هنرجوی مدرسه نقد جامع

فجر در سالن کاخ جشنواره با فیلم صیاد ساخته جواد افشار شروع به‌کار کرد.

این اثر که در ژانر دفاع‌مقدس و با هنرنمایی علی سربابی در نقش شهید صیاد شیرازی و مارال بنی‌آدم در نقش همسر او، هومن برق‌نورد در نقش بنی‌صدر و همچنین با حضور نادر سلیمانی، محمدرضا هدایتی، ایوب آقاخانی، خیام وقار کاشانی، حامد شیخی و رز رضوی به بخش‌هایی از زندگی شهید صیادشیرازی می‌پردازد از سال ۱۳۵۸ که در کردستان و کرمانشاه به دفاع از مردم مظلوم این منطقه در برابر گروهک‌هایی برخاسته که هدفشان تجزیه است، تا آذر ماه سال ۱۳۶۰ و آزادسازی بستان در عملیات طریق‌القدس که اولین عملیات مشترک سپاه و ارتش است.

جواد افشار که پیش از این با ساخت سریال گاندو در تلویزیون توانسته بود مهارت و تخصص خود را نمایان کند، در این فیلم سینمایی با پرداختن به زندگی‌نامه و اتفاقات آن‌سال‌ها نشان داد که همچنان دغدغه نمایش جانفشانی‌های افرادی را دارد که برای حفظ این مرز و بوم شب‌روزر تلاش می‌کنند که این دیدگاه در نوع خود قابل تقدیر است اما در این اثر به دلیل تلاش برای وقایع گوناگون و عدم تمرکز روی یک واقعه یا یک برهه زمانی خاص روایت و توالی داستانی از مدار خارج و به نوعی سردرگمی بدل شده است.

بازیگران هم به دلیل همین تعدد روایت‌ها نتوانسته‌اند به خوبی نقش‌آفرینی و شخصیت‌پردازی کنند، به‌حدی که اکثر بازیگران کلیشه‌ای به نظر می‌رسند؛ البته نباید از بازی خوب و قابل قبول نادر سلیمانی به راحتی گذشت. از طرف دیگر در فیلمنامه به جای پرداختن به وجوه انسانی و معرفتی این شهید بزرگوار، بیشتر او را یک نظامی خشک و دارای مقررات نشان می‌دهند که قطعا برای هدایت و رهبری گروهی و راندن دشمن لازم است که در صحنه آخر صیاد